فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۷، شماره ۱۱، زمستان سال ۹۹

ارزیابی نقش میانجی تعارضات هیجانی در رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران

لیلا اصغرنیا[۱]، محمدآرش رمضانی[۲]

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارزیابی نقش میانجی تعارضات هیجانی در رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران بود. روش پژوهش همبستگی با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل افراد متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود، که تعداد ۲۲۰ نفر به عنوان نمونه به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه خودانتقادی گیلبرگ و همکاران (۲۰۰۴)، پرسشنامه خودبازداری وینبرگر و شوارتز (۱۹۹۰)، پرسشنامه تمایزیافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) و پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۹۸). نتایج نشان داد که نقش میانجی تعارضات هیجانی در رابطه تمایزیافتگی با رضایت زناشویی معنادار بود. نتایج حاکی از آن بود که تعارضات هیجانی نقش معناداری در رابطه تمایزیافتگی و رضایت زناشویی دارند، بنابراین بهبود تعارضات هیجانی می‌تواند بر بهبود رابطه زناشویی و ترمیم آسیب‌های ناشی از روابط مهم اولیه اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: تمایز یافتگی، تعارضات هیجانی، رضایت زناشویی

[۱] کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
Ley_asg@yahoo.com
[۲] استادیار، روانشناسی سلامت جنسی خانواده و درمانگر رسمی موسس انستیتو هیجان مدارایران (نویسنده مسئول) Arash98@gmail.com

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

مقدمه

آنچه در ازدواج بیش از هرچیز مهم است، رضایت از ازدواج است. گریف[1] (۲۰۰۰) بیان می‌دارد که رضایت زناشویی[2] در بین همسران، یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند، از اهمیت زیادی برخوردار است (زهیری، ۱۳۸۹). به زعم وینچ رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است (وینچ[3]، ۱۹۷۴؛ به نقل از تجریشی، ۱۳۹۸). برخی از صاحب نظران در تعریف رضایت زناشویی، آن را تابع مراحل چرخه‌ی زندگی می‌دانند. راه‌های مختلفی برای تعریف رضایت زناشویی وجود دارد و بهترین تعریف را هاکینز[4] ارائه کرده است. او رضایت زناشویی را احساس خشنودی، رضایت و لذت توسط زن و شوهر زمانی که همه‌ی جنبه‌های ازدواج خود را در نظر می‌گیرند تعریف می‌کند. رضایت یک متغیر نگرشی است، بنابراین، یک خصوصیت فردی برای زن و شوهر محسوب می‌شود. طبق تعریف مذکور رضایت زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (الیس، سیجل، ایجر، باتیا و گیسپ[5]، ۱۹۹۶).

یکی از این مفاهیم اساسی در نظریه‌های خانواده درمانی در افزایش رضایت زناشویی و کاهش تعارضات در بین همسران، توجه به نظریه خانواده درمانی بوئن[6] و مفهوم تمایزیافتگی همسران است که بر این اساس بررسی‌های فراگیر درباره‌ی رشد و پایداری پیوندهای زناشویی انجام شده است (نجفلویی، ۱۳۸۵). در ایجاد یک رابطه زناشویی خوب، میزان هماهنگی وتناسب افراد مهم نیست، بلکه چگونگی تمایزیافتگی بسیار با اهمیت است (گلمن[7]، ۱۹۸۵؛ به نقل از بهاری، ۱۳۸۸). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سطح بالای تمایزیافتگی و ابعاد آن، پیش‌بینی‌کننده قوی کنترل موفق و سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی، سطح پایین تعارضات زناشویی، رغبت به ازدواج ،الگوهای کارآمد ارتباطی و تعهد زناشویی می‌باشد (نعیمی، پیرساقی، بشیرپور و اکبری، ۱۳۹۴)

تمایزیافتگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد. فرآیندی که در درون فرد رخ می‌دهد و فرآیندی که در روابط بین افراد به وقوع می‌پیوندد. در سطح درون فردی، تمایزیافتگی یا هم‌آمیختگی، زمانی رخ می‌دهد که اشخاص احساسات خود را از تفکرشان تفکیک نمی‌کنند و به جای آن در احساسات غرق می‌شوند. در سطح بین فردی، شخص تمایزنایافته تمایل دارد یا به طور کامل جذب احساسات دیگران شود و با جو هیجانی محیط حرکت کند و یا برعکس، علیه دیگران واکنش نشان دهد (کر۸ (کر۸ و بوئن، ۱۹۸۸؛ به نقل از جمالی مطلق، ۱۳۹۲). به صورت کلی می‌توان افراد تمایزنایافته را با ویژگی‌های زیر مشخص کرد: افراد تمایز نایافته در برابر رفتار دیگران واکنش عاطفی نشان می‌دهند، بخش عمده‌ی انرژی‌شان را صرف تجربه، بیان و تشدید عواطف‌شان می‌کنند؛ زمانی‌که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایزنایافته از دیگران فاصله‌ی عاطفی می‌گیرند؛ آنها روی هم‌رفته در روابط صمیمانه با دیگران ادغام می‌شوند؛ همچنین افراد تمایزنایافته از نظر عاطفی به دیگران وابسته‌اند، به دشواری می‌توانند برای خودشان فکر، احساس و عمل کنند. (اسکورن و فریدلندر۹، ۱۹۹۸).

عوامل متعددی رضایتمندی زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، یکی دیگر از این عوامل که سبب به بن‌بست رسیدن زندگی زناشویی می‌شود تعارضات هیجانی و عدم آگاهی از احساسات، عواطف و هیجانات خود و طرف مقابل و ناتوانی در ابراز و بیان آن است ، چرا که هیجان به عنوان یک پدیده روانشناختی در حوزه ارتباطات زناشویی می‌تواند تاثیرات مثبت و منفی‌ای داشته باشد (انیولا۱۰، ۲۰۰۷). تعارضات هیجانی نماینده استانداردهای درونی‌شده‌ای هستند که در سال‌های اولیه شکل‌گیری ایجاد

[1] Greef
[2] marital satisfaction
[3] Winch
[4] Hawkins
[5] Ellis, Sijel, Yeejer, Batia and Gisp
[6] Bowen
[7] Golman
[8] Kerr
[9] Skowron and Friedlander
[10] Eniola

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

می‌شوند. افراد به جای مشارکت در فرآیند انجام و انتخاب آنچه مناسب است و به بیشترین میزان برآورده شدن نیازها می‌انجامد، نیمی از روی عادت و نیمی از روی ترس، هماهنگ با استانداردها، احکام و قضاوت‌ها در اینباره که باید چگونه بود زندگی می‌کنند. در نتیجه، نیازهای مهم نادیده گرفته شده، گم می‌شوند یا کوچک شمرده می‌شوند (الیوت، واتسون، گلدمن و گرینبرگ[1]، ۲۰۱۳؛ ترجمه رمضانی و جمشیدنژاد، ۱۳۹۸). یکی از مباحث مهم در خصوص هیجانات، مفهوم خودکنترلی[2] و خودبازداری[3] به عنوان تعارض است که به توانایی مدیریت و اداره هیجانات و کنترل تکانه‌های خود اشاره دارد که در نهایت این این عمل منجر به خودتعدیلی[4] می‌گردد (مجد تیموری، ۱۳۸۶). وینبرگر و شوارتز (۱۹۹۰) چهار زیر مقیاس را برای خودبازداری در نظر گرفتند که عبارت است از: فرونشاندن خشم، کنترل تکانه، مسئولیت‌پذیری و مراعات دیگران. به طور کلی، تعارضات هیجانی شامل دو نوع تعارض دوپاره و خودبازدار می‌شوند.

تعارضات دوپاره یعنی مشکلات زمانی اتفاق می‌افتد که یک بخش از خود به ابراز کامل یک جنبه انطباقی‌تر یا پایه‌ای‌تر از خود حمله کرده، یا مانع آن می‌شود. در تعارض دوپاره معمولاً تعارض میان یک جنبه آشفته و ضعیف – که برای منحرف کردن توجهش از درد هیجانی به رفتارهای خودآسیب‌رسان مداوم (یک راهبرد خود تسلی‌بخش غیرانطباقی) روی می‌آورد- و یک جنبه‌ی سالم‌تر از خود است که درباره خود آسیب‌رسانی نگران است، اما قادر به متوقف کردن آن نیست. پژوهش‌ها نشان داده است که منتقد منفی و ارزیابی‌کننده، احساسات شدیدی از خصومت یا انزجار را با خود به همراه دارد که در افسردگی بالینی اهمیت دارند و خود را به شکل کمال‌گرایی و بازداری هیجانی نشان می‌دهند (ولتون و گرینبرگ، ۲۰۰۵). همچنین تعارضات دوپاره در مراجعانی که به اختلالات اضطرابی مانند اختلال استرس پس از سانحه و اختلال اضطراب فراگیر مبتلا هستند و در سایر اختلالات مرتبط با عادت و اعتیاد، اهمیت و محوریت دارد. در این اختلالات، جنبه منتقد خود، به عنوان یک راهبرد محافظت‌کننده، مصرانه جنبه‌ی تجربه‌کننده‌ی آسیب‌پذیر را می‌ترساند (الیوت و همکاران، ۲۰۱۳؛ ترجمه رمضانی و جمشیدنژاد، ۱۳۹۸).

در دوپارگی خودبازدار، ابراز هیجانی، بازداری یا سرکوب می‌شود. جنبه‌ی تجربه‌کننده فرد شروع به ابراز یک هیجان سازگارانه‌ی اولیه یا نیاز مرتبط با یک عمل را می‌کند، اما جنبه‌ی سانسورکننده‌ی فرد (بخش مزاحم) در تلاش برای ممانعت از انجام این کار، آن را بازداری می‌کند. دوپارگی‌های خودبازداردر مقایسه با دوپارگی‌های انتقاد از خود معمولاً جنبه غیرکلامی و بدنی بیشتری دارند و گاه به شیوه‌ای کاملاً غیرکلامی ابراز می‌شوند مانند یک سردرد ناگهانی یا حس خفگی. پردازش‌های خودبازداری در مراحل کلیدی رشدی شکل می‌گیرند و عموماً پاسخ‌هایی هستند به محیط‌هایی که اجازه‌ی ابراز کامل هیجانات و نیازها را نداده‌اند. با وجودی که این پردازش‌ها دیگر سازگارانه نیستند، تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کنند و در سطح خودکار مانع از تجربه و ابراز می‌شوند. اینها پاسخ یادگیری شده‌ای هستند که به منظور مقابله با یک محیط ناایمن یا فقدان درونی‌شده‌ی حق و حقوق طراحی شده‌اند. آن‌ها معمولاً با خاطراتی مقطعی همراهند که شامل تصاویری از زمان و مکان هستند که این باورها در آن شکل گرفته است. بازداری‌های خود در حضور سه ویژگی به سادگی شناسایی می‌شوند: الف) فرد یک احساس، نیاز یا عمل را توصیف کرده یا شروع به ابراز آن می‌کند؛ ب) یک محدودیت یا بازداری برای احساس، نیاز یا رفتار به وسیله مراجع توصیف یا در جلسه مشاهده می‌شود؛ ج) مراجع آشفتگی یا نارضایتی خود را در نتیجه بازداری ابراز می‌کند؛ مانند درد جسمانی (الیوت و همکاران، ۲۰۱۳؛ ترجمه رمضانی و جمشیدنژاد، ۱۳۹۸).

اصلی‌ترین مشکل تجربه شده توسط زوجین، از تعارض میان نیاز به صمیمیت و تواماً نیاز به استقلال و تلاش برای تغییر طرف مقابل برای رسیدن به این نیازها حاصل می‌شود. تعارضات حل نشده از این نوع منجر به ایجاد چرخه‌های تعاملی اوج‌گیرنده می‌شود و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد (گرینبرگ، ۲۰۱۵؛ ترجمه رمضانی، باقری و همت‌بار، ۱۳۹۷). رضایت زناشویی در

[1] Goldman & Greenberg
[2] self-control
[3] self-restraint
[4] self-water downing

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

حفظ و تداوم خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است و کاهش آن موجب ایجاد تنش‌ها و تعارضات زیادی میگردد که از نتایج آن می‌توان به طلاق عاطفی، خیانت‌های زناشویی و طلاق رسمی اشاره نمود. با توجه به اینکه آمار طلاق روزبه روز در حال افزایش است و احساس نیاز به مطالعات در زمینه رضایت زناشویی و مولفه‌های مرتبط با آن، بیش از پیش احساس می‌شود.

با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت و تاثیر تعارضات هیجانی در روند زندگی افراد، با طرح این مدل فرضی می خواهیم بررسی نماییم که کلا تعارضات هیجانی که شامل: تعارض دو پاره و تعارض خودبازدار می باشد، چه اثر میانجی بین تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی دارد، پس سوال اصلی این پژوهش نیز عبارت می باشد از اینکه آیا تعارضات هیجانی در رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، نقش میانجی دارد؟

روش‌شناسی

این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه افراد متاهل شهر تهران در سال ۱۳۹۸ است و با استفاده از جدول کوهن، حجم نمونه ۲۲۰ نفر به دست آمد که برای اطمینان خاصر، تعداد نهایی نمونه ۲۴۳ نفر در نظر گرفته شد و برای نمونه‌گیری از روش غیرتصادفی در دسترس استفاده گردید.

پرسشنامه خودانتقادی گیلبرت و همکاران (۲۰۰۴): در این پژوهش برای اندازه‌گیری خودانتقادی که شاخص تعارض دوپاره است از مقیاس ۲۲ماده‌ای خودانتقادی/ حمله به خود/ اطمینان‌بخشی به خود استفاده می‌شود. پاسخ به هرسوال این مقیاس در یک طیف ۵ رتبه‌ای از نوع لیکرتی از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۴) تنظیم شده و حداکثر و حداقل نمره‌ی آن به ترتیب از صفر تا ۸۸ در نوسان است. در این پرسشنامه، دو شکل برای خودانتقادی وجود دارد:

- ✓ خود ناکافی و خود متنفر: خود ناکافی، که بر حس بی‌کفایتی شخصی تمرکز دارد (مثلاً: من به سادگی از خودم مایوس می‌شوم) و خود متنفر که میزان تمایل به آسیب رساندن یا صدمه زدن به خود را می‌سنجد (مثلاً: من آنقدر از خودم عصبانی هستم که می‌خواهم به خودم آسیب برسانم یا خودم را زخمی کنم).
- ✓ خود مطمئن: مثلاً: من می‌توانم درباره خود، به چیزهای مثبت فکر کنم.

گیلبرت، کلارک، همپل[1] و همکاران (۲۰۰۴) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. در مطالعه رجبی، ملک‌محمدی، امان‌اللهی‌فر و سودانی (۱۳۹۴) ضریب پایایی و آلفای کرونباخ این پرسشنامه در کل نمونه ۶۴/. و ضریب روایی آن با مقیاس عزت نفس روزنبرگ بر روی ۵۰ نفر ۳۶/.- معنی دار به دست آمد. در پژوهش حاضر نتایج بدست آمده برای همسانی درونی خردمقیاس های پرسشنامه تعارضات دوپاره به روش آلفای کرونباخ نشان داد که مقادیر بدست آمده برای خودناکافی۰/۷۶ ، خود مطمئن ۰/۷۲ و خود متنفر ۰/۶۰ می‌باشد. همچنین برای بررسی روایی این ابزار، همبستگی خرده مقیاس‌ها ی این پرسشنامه با پرسشنامه خودبازداری محاسبه گردید. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون برای خودناکافی، خود مطمئن و خود متنفر با پرسشنامه خود بازداری به ترتیب ۰/۳۱-، ۰/۱۹ و ۰/۲۸- بود که هرسه در سطح ۰/۰۱ معنادار بود و بیانگر روایی مطلوب خرده مقیاس‌های پرسشنامه بود.

ب) پرسشنامه خودبازداری وینبرگر و شوارتز (۱۹۹۰) (SRS): یک ابزار خودگزارشی ۳۰ عبارتی است که میزان بازداری هیجانی و توانایی فرونشانی خشم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و از مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده می‌کند. این آزمون در سال ۱۹۹۰ توسط وینبرگر و شوارتز تهیه شده است و یکی از مقیاس‌های پرسشنامه سازگاری وینبرگ به شمار می‌رود. مقیاس خودبازداری دارای یک مقیاس کلی و ۴ زیرمقیاس است. زیرمقیاس‌های این آزمون که سازه‌های مشابه اما مجزایی هستند، عبارتند از: فرونشاندن خشم، کنترل تکانه، مراعات دیگران و مسئولیت‌پذیری. کهرازئی (۱۳۹۶) برای بررسی پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده کرده که به ترتیب برای ابعاد فرونشاندن خشم ۰/۷۲، کنترل تکانه ۰/۷۶، مراعات دیگران ۰/۷۷، مسئولیت‌پذیری ۰/۶۷ و خودبازداری ۰/۷۸ بدست آمد.

[1] Gilbert, Clarck, Hempel

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

ج) پرسشنامه تمایزیافتگی اسکورن و فریدلندر: پرسشنامه استاندارد تمایز یافتگی خود یک ابزار ۴۵ سوالی است که برای سنجش میزان تمایزیافتگی افراد به کار می‌رود. این پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر در سال ۱۹۸۸ طراحی و تدوین شد و سپس توسط اسکورن و اشمیت در سال ۲۰۰۳ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. پرسشنامه استاندارد تمایز یافتگی خود بر ارتباطهای مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانواده اصلی است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است. طیف نمره گذاری این پرسشنامه طیف شش گزینه ای لیکرت است و با سوالاتی مانند: معمولا برای شروع یک کار یا وظیفه بزرگ به تشویق زیادی از جانب دیگران نیاز دارم، به سنجش تمایزیافتگی افراد می پردازد.خرده مقیاس‌ها در این پرسشنامه عبارتند از: واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران. روایی و پایایی پرسشنامه از این قرار است: اسکورن و فریدلندر، همبستگی درونی پرسشنامه را با آلفای کرونباخ برای پرسشنامه و خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب کل پرسشنامه ۰/۸۸، واکنش هیجانی ۰/۸۳، جدایی هیجانی ۰/۸۰، گزارش نمودند (کرامتی، شعاع‌کاظمی و حسینیان، ۱۳۹۱). پایایی پرسشنامه و خرده آزمون‌های آن در نمونه ایرانی در پژوهش نجف لویی به ترتیب برای کل پرسشنامه ۰/۷۲، واکنش هیجانی ۰/۸۱، جدایی هیجانی ۰/۷۶، آمیختگی با دیگران ۰/۷۹ و موقعیت من ۰/۶۴ گزارش کرده‌اند (نجف لویی، ۱۳۸۵؛ به نقل از بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری، ۱۳۹۱).

د) پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ: پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ که فرم ۴۷سؤالی آن توسط اولسون(۱۹۹۸)، تهیه شد شامل ۹ مقیاس است که عبارتند از: مسایل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج وفرزندان، بستگان ودوستان و جهت‌گیری مذهبی ساخته شده است. این ابزار به صورت پنج گزینه‌ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) درنظرگرفته شده است (کاملا موافق، موافق، نه موافق ونه مخالف، مخالف، کاملا مخالف)، که به هریک ازیک تا پنج امتیاز داده می‌شود. مقیاس‌های این پرسشنامه به قرار زیر است: موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی، جهت‌گیری مذهبی. پایایی و روایی پرسش‌نامه انریچ از این قرار است: ضریب آلفای «پرسش نامه انریچ» درگزارش اولسون، فورینر و دراکمن[1] و همکاران (۱۹۸۹)، برای خرده مقیاس‌های تحریف آرمانی ،رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباط،حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان وفرزندپروری، خانواده ودوستان، نقش‌های مساوات طلبی به ترتیب از این قرار است: ۹/. ،۸۱/. ، ۷۳/. ، ۶۸/. ، ۷۵/. ، ۷۴/. ، ۷۶/. ، ۴۸/. ، ۷۷/. ، ۷۲/.، ۷۱/. . ضریب آلفای خرده مقیاس‌های انریچ درچندین تحقیق متفاوت از۶۸/. (برای نقش‌های مساوات طلبی) تا ۸۶/.(برای رضایت زناشویی) با میانگین ۷۹/. بوده است. سلیمانیان(۱۳۷۳)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تفکرات غیرمنطقی برنارضایتی زناشویی» درباره روایی این پرسش نامه اظهار می‌دارد که برای استفاده در تحقیق ابتدا پرسش‌نامه ترجمه گردید. پس ازترجمه سؤالات به رؤیت متخصصین روان‌شناسی رسید وروایی محتوایی پرسش‌نامه مورد تأیید قرارگرفت. درمرحله بعد پرسش‌نامه برروی یک گروه ۱۱نفری اجرا گردید وضریب اعتبارآن ازطریق ضریب آلفا محاسبه شد که عدد۹۳/. به دست آمد. با توجه به مقدار زیاد سؤالات که موجب خستگی آزمودنی‌ها می‌شد تصمیم گرفته شد فرم کوتاهی ازآن تهیه شود. به این ترتیب که ابتدا همبستگی هریک از سؤالات با کل پرسش نامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس سؤالاتی که از همبستگی نسبتا بالایی برخوردار بودند انتخاب شدند. این انتخاب به طور مساوی از مقیاس های مختلف پرسش نامه صورت گرفت وبه این ترتیب در مجموع ۴۷ سؤال انتخاب شد ومجددا ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی بر روی یک گروه ۱۱نفری با استفاده ازضریب آلفا محاسبه گردید که ضریب اعتبار ۹۵/. به دست آمد . پس از بررسی ومطالعه اصل پرسش‌نامه وطریق محاسبه اعتبار و روایی آن، روش مذکور از نظر استاد راهنما تأیید شد و از آن جهت برآورد میزان رضایت زناشویی استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS 23 در بخش استنباطی (معادلات ساختاری) انجام پذیرفت. بدین صورت که بعد از ارزیابی همبستگی و شرایط لازم از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

[1] Olson, Fournier, Druckman

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

مدل‌یابی معادلات ساختاری، یک تکنیک تحلیل چندمتغیری کلی و بسیار نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای معادلات رگرسیون را به گونه هم‌زمان موردآزمون قرار دهد و به بررسی هم‌زمان روابط بین متغیرهای مختلف بپردازد. مدل‌های معادله ساختاری اغلب به منظور آزمون یک نظریه درباره روابط بین سازه‌های نظری به کار می‌روند. داده‌های خام قبل از آنکه به عنوان درون‌داد برنامه رایانه‌ای به کار رود، معمولاً ابتدا به یک ماتریس کوواریانس یا همبستگی از روابط بین متغیرهای مشاهده شده تبدیل می‌شوند. اندازه‌های برازندگی برای یک مدل از طریق مقایسه ماتریس کوواریانس برآورد شده برای جامعه با ماتریس کوواریانس نمونه که از روی داده‌ها محاسبه شده است، به دست می‌آید (علوی، ۱۳۹۲).

یافته‌ها

در این بخش قبل از بررسی فرضیه‌ها نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به نرمال بودن وضعیت توزیع نمره‌ها، در ادامه از آزمون همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری استفاده شد. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته می شود.

فرضیه اول پژوهش: بین تمایزیافتگی با رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین تمایزیافتگی با رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در ذیل آورده شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان تمایز یافتگی با رضایت زناشویی

	متغیر	واکنش پذیری هیجانی	جایگاه من	گریز هیجانی	هم آمیختگی با دیگران
رضایت زناشویی	۱- موضوعات شخصی	۰/۱۵*	۰/۰۹	۰/۱۳*	۰/۱۹**
	۲- ارتباط زناشویی	۰/۱۷**	۰/۰۹	۰/۱۶*	۰/۲۰**
	۳- حل تعارض	۰/۱۳*	۰/۰۷	۰/۱۷**	۰/۱۷**
	۴-مدیریت مالی	۰/۱۴*	۰/۰۷	۰/۲۳**	۰/۲۳**
	۵-فعالیت های اوقات فراغت	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۷
	۶-روابط جنسی	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۱۴*
	۷-ازدواج و فرزندان	۰/۱۹**	۰/۱۶*	۰/۱۹**	۰/۱۷**
	۸-اقوام و دوستان	۰/۱۹**	۰/۰۹	۰/۲۸**	۰/۲۱**
	۹-جهت گیری مذهبی	۰/۲۴**	۰/۲۳**	۰/۱۴*	۰/۲۶**
	۱۰نمره کل	۰/۲۰**	/۱۲	۰/۱۹**	۰/۲۳**

* = sig <۰/۰۵ و ** = sig <۰/۰۱

نتایج بدست آمده در جدول ۱ نشان می دهد که مولفه واکنش پذیری هیجانی، گریزهیجانی و هم آمیختگی با دیگران به غیر از فعالیت‌های اوقات فراغت و روابط جنسی (به استثنای هم آمیختگی با دیگران) با بقیه مولفه های رضایت زناشویی و نمره کل آن رابطه مثبت و معناداری دارد (sig<۰/۰۵). همچنین نتایج بدست آمده نشان داد که مولفه جایگاه من فقط با دو مولفه ازدواج و فرزندان و جهت گیری مذهبی رابطه معنادار و مثبت دارد (sig<۰/۰۵).

فرضیه دوم پژوهش: بین تعارض دوپاره با تمایزیافتگی در افراد متاهل شهر تهران، رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین تعارض دوپاره با تمایزیافتگی در افراد متاهل شهر تهران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۷، شماره ۱۱، زمستان سال ۹۹

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان تعارض دوپاره با تمایز یافتگی

متغیر		۱	۲	۳	۴	۵	۶
تمایزیافتگی	واکنش‌پذیری هیجانی	۱					
	جایگاه من	۰/۳۶**	۱				
	گریز هیجانی	۰/۴۲**	۰/۰۷	۱			
	هم‌آمیختگی با دیگران	۰/۶۹**	۰/۵۱**	۰/۳۴**	۱		
تعارض دوپاره	خودِ تاکافی	-۰/۵۰**	-۰/۳۷**	-۰/۳۹**	-۰/۵۳**	۱	
	خودِ مطمئن	۰/۲۴**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۳۳**	-۰/۵۶**	۱
	خودِ متنفر	-۰/۴۰**	-۰/۳۰**	-۰/۳۶**	-۰/۳۷**	۰/۵۶**	-۰/۴۹**

* = sig <۰/۰۵ و ** = sig <۰/۰۱

نتایج بدست آمده در جدول ۲ نشان می دهد که تعارض دوپاره خود ناکافی و خود متنفر با هر چهار مولفه تمایز یافتگی رابطه منفی و معنادار دارند (sig<۰/۰۱) و خود مطمئن با هر چهار مولفه رابطه مثبت و معنادار دارد (sig<۰/۰۱).

فرضیه سوم: بین تعارض خودبازدار با رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین تعارض خودبازدار با رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه تعارض خود بازدار با رضایت زناشویی

متغیر		تعارض خود بازدار
رضایت زناشویی	موضوعات شخصی	۰/۱۹**
	ارتباط زناشویی	۰/۲۰**
	حل تعارض	۰/۲۰*
	مدیریت مالی	۰/۲۶*
	فعالیت های اوقات فراغت	۰/۱۰
	روابط جنسی	۰/۱۳*
	ازدواج و فرزندان	۰/۲۴**
	اقوام و دوستان	۰/۳۰**
	جهت گیری مذهبی	۰/۳۲**
	نمره کل	۰/۲۷**

* = sig <۰/۰۵ و ** = sig <۰/۰۱

نتایج بدست آمده در جدول ۳ نشان می دهد که تعارض خود بازدار با تمامی مولفه های رضایت زناشویی به غیر از فعالیت های اوقات فراغت رابطه مثبت و معناداری دارد (sig<۰/۰۵).

فرضیه چهارم: بین تعارض دوپاره و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین تعارض دوپاره و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه تعارض دوپاره با رضایت زناشویی

	متغیر	خودناکافی	خود مطمئن	خود متنفر
رضایت زناشویی	موضوعات شخصی	-۰/۲۰**	۰/۱۱	-۰/۲۵**
	ارتباط زناشویی	-۰/۲۴**	۰/۱۴*	-۰/۳۲**
	حل تعارض	-۰/۱۵*	۰/۱۴*	-۰/۲۵**
	مدیریت مالی	-۰/۲۸**	۰/۲۱**	-۰/۳۸**
	فعالیت های اوقات فراغت	-۰/۱۲	۰/۰۱	-۰/۲۶**
	روابط جنسی	-۰/۰۶	۰/۰۵	-۰/۱۴*
	ازدواج و فرزندان	-۰/۲۵**	۰/۲۶**	-۰/۳۶**
	اقوام و دوستان	-۰/۱۷**	۰/۱۵*	-۰/۳۴**
	جهت گیری مذهبی	-۰/۱۸**	۰/۱۲	-۰/۳۰**
	نمره کل	-۰/۲۳**	۰/۱۷**	-۰/۳۶**

* = sig <۰/۰۵ و ** = sig <۰/۰۱

نتایج بدست آمده در جدول ۴ نشان می دهد که خود متنفر با تمامی مولفه های رضایت زناشویی و نمره کل آن رابطه منفی و معناداری دارد (Sig<۰/۰۵) و خود ناکافی نیز به غیر از فعالیت های اوقات فراغت و روابط جنسی با تمامی مولفه های دیگر و نمره کل رضایت زناشویی رابطه منفی معناداری دارد (Sig<۰/۰۵). همچنین نتایج بدست آمده بیانگر این است که خود مطمئن با مولفه های ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان و همچنین نمره کل رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد (Sig<۰/۰۵).

فرضیه پنجم: بین تعارض خودبازدار و تمایزیافتگی در افراد متأهل شهر تهران رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین تعارض خودبازدار و تمایزیافتگی در افراد متاهل شهر تهران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان خودبازدار با تمایز یافتگی

	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	واکنش‌پذیری هیجانی	۱						
تمایزیافتگی	جایگاه من	۰/۳۶**	۱					
	گریز هیجانی	۰/۴۲**	۰/۰۷	۱				
	هم‌آمیختگی با دیگران	۰/۶۹**	۰/۵۱**	۰/۳۴**	۱			
خودبازدار		۰/۲۳**	۰/۳۶**	۰/۳۸**	۰/۲۸**	۱		

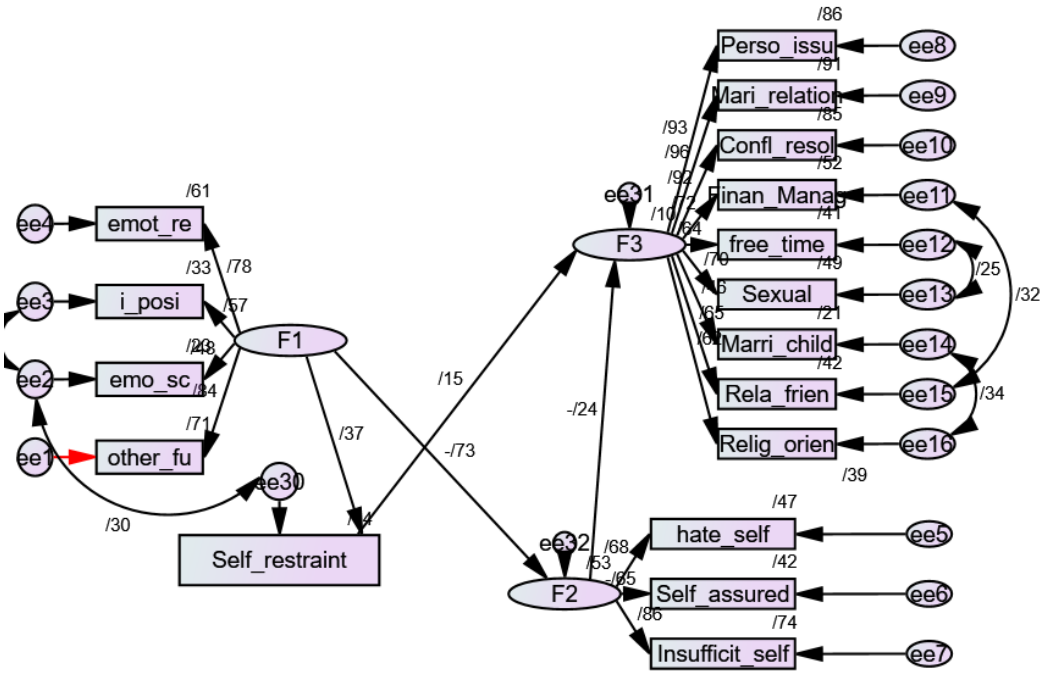
* = sig <۰/۰۵ و ** = sig <۰/۰۱

نتایج بدست آمده در جدول ۵ نشان می‌دهد که خودبازداری با هر چهار مولفه تمایز یافتگی که شامل واکنش‌پذیری هیجانی (Sig<۰/۰۱ و r=۰/۲۳)، جایگاه من (Sig<۰/۰۱ و r=۰/۳۶)، گریزهیجانی (Sig<۰/۰۱ و r=۰/۳۸) و هم‌آمیختگی با دیگران (Sig<۰/۰۱ و r=۰/۲۸)است، رابطه مثبت و معناداری دارد.

فرضیه اصلی: تعارضات هیجانی در رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر تهران، نقش میانجی دارد.

برای بررسی فرضیه اصلی پژوهش از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه شده است. مدل پیشنهادی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است:

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]



شکل ۱: نگاره مدل اصلاحی پژوهش

در شکل ۱ نگاره مدل پژوهش نشان داده شده است. نتایج شاخص های برازش مدل در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول ۶: شاخص‌های برازش مدل اصلاحی پژوهش پژوهش

شاخص	2χ/df	RMSEA	NFI	IFI	CFI	GFI	AGFI
ملاک برازش	۳ ≥*	۰/۱۰≥*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*
آمارهٔ پژوهش حاضر	۲/۲۸	۰/۰۷	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۸۶

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مدل اصلاحی پژوهش تقریبا از برازش مطلوبی برخوردار است. در ادامه و در جدول ۷ ضریب تاثیر غیر مستقیم تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی به واسطه تعارضات هیجانی ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج بررسی نقش میانجی تعارضات هیجانی در رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی

مسیر	اندازه اثر استاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
تمایز یافتگی ← تعارضات هیجانی← رضایت زناشویی	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۳۳	۰/۰۰۱

نتایج بدست آمده از جدول ۷ نشان می دهد که نقش میانجی تعارضات هیجانی در رابطه تمایز یافتگی با رضایت زناشویی معنادار می باشد (sig <۰/۰۰۱)

بحث و نتیجه گیری:

همانطور که از نتایج تحلیل آماری مشخص شد، تعارضات هیجانی در رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی، نقش میانجی دارد. در تبیین یافته‌ی پژوهش می‌توان اینگونه گفت که عدم تمایز یافتگی همراه با احساس گیرافتادگی در وضعیت هیجانی است، و تلاش‌ها برای رهایی از این وضعیت متوجه وابسته شدن به دیگران است و احترام به خود و عزت نفس در وضعیت نامناسبی قرار دارد (گیلد[1]، ۲۰۱۴). در چنین شرایطی که فرد احترام و ارزش چندانی برای خود قائل نیست، احتمال اینکه به صورت خود انتقادی، احساس ناکافی بودن و انزجار به خود پاسخ دهد افزایش می‌یابد. همچنین عدم توانایی فرد برای بیان

[1] Geld

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

دیدگاه‌ها، ارزش‌ها وحفظ استقلال خود می‌تواند عدم تمایز یافتگی را افزایش دهد (لم و چن‌سو۱، ۲۰۱۵). این عدم توانایی حفظ استقلال، ارزش و نگرش فردی می‌تواند بر رشد طرح های هیجانی آسیب زننده مبتنی بر شرم و احساس عدم کفایتمندی اثر گذاشته و فرد را به سمت تعارضات دوپاره هیجانی سوق دهد، چرا که مشخصه این تعارضات هیجانی در زوجین، ناتوانی آنها در تنظیم هیجانی وضعیت خود است (گرینبرگ و گلدمن، ۲۰۰۸). این تعارضات هیجانی می‌توانند منجر به کاهش رضایتمندی زناشویی شوند، چرا که کارکردی‌های اساسی رابطه زناشویی در صورتی که فرد دچار خود انتقادگری، حس عدم کافی بودن و تنفر از خود شود کاهش می‌یابد. برای مثال نشان داده شده که برقراری رابطه جنسی رضایت‌بخش نیازمند میزانی از احساس توانمندی، کنترل و کفایتمندی می‌باشد (رسولی، ۱۳۹۸، میرمعزی، ۱۳۹۵). علاوه براین، تعارضات هیجانی می‌توانند با بالا بردن تنش‌های درونی، ظرفیت فرد را برای پاسخگویی بهتر در رابطه و انجام نقش‌ها کاهش دهد. همچنین باید به این نکته توجه کرد که این تعارضات هیجانی می‌تواند مبتنی بر آسیب‌های دلبستگی و هویتی باشد، که افراد متاهل را در رابطه زناشویی به سمت چرخه های معیوب تعاملی مانند تسلط–تسلیم و تعقیب و گریز جهت گرفتن تایید ارزشمندی و احساس توانمندی و کفایتمندی می‌کشاند (گرینبرگ و گلدمن، ۲۰۰۸). این چرخه‌ها با توجه به اینکه مبتنی بر آسیب و نیازهای یک جانبه می باشند، می‌تواند منجر به رشد تعارض و رشد هیجانات ناسازگار و اخلال در عملکرد رابطه گردد. همچنین عدم تمایز یافتگی در سطح بین شخصی، باعث می‌شود که فرد به طور کامل جذب احساسات دیگران شود و با جو عاطفی محیط حرکت کند و یا برعکس، علیه دیگران واکنش نشان دهد (جلسو و فریتز۲، ۲۰۰۱). این حرکت در جهت موافق دیگران و یا عمل کردن برعکس دیگران تا حدود زیادی می تواند بیانگر تلاشی برای گرفتن تایید و اثبات خود و همچنین ترمیم خود آسیب دیده باشد. این تلاش‌ها اگر کاملا موافق با دیگران بویژه همسر باشد نمی تواند ارضا کننده خواسته و نیازهای فرد باشد، همچنین اگر مدام برعکس خواسته های او باشد، می تواند منجر به شکل گیری تعارض و تشنج در رابطه گردد. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که عدم تمایزفتگی می تواند در افزایش تعارض هیجانی نقش داشته باشد، چرا که در تنظیم هیجانی و پاسخدهی مناسب و همراه با حفظ استقلال فردی اخلال ایجاد می کند و بواسطه این اثر می‌تواند بر بافت و چرخه رابطه اثر منفی گذاشته و سطح رضایتمندی زناشویی را کاهش دهد.

همچنین میزان بالاتر تمایزیافتگی با توانایی بهتر شناخت و توصیف هیجانی همراه است (هوپر و دیپوی۳، ۲۰۱۰). این شناخت و آگاهی بالاتر هیجانی و توانایی تفکیک و تشخیص آن می‌تواند منجر به مدیریت و واکنش بهتری نسبت به خشم و هیجانات دیگر گردد. همچنین باید توجه کرد که تمایزیافتگی، با توجه به کارکرد درون روانی، توانایی جداسازی فرآیندهای عاطفی از فرآیندهای عقلانی و با توجه به کارکرد بین فردی، توانایی تجربه کردن صمیمیت همراه با استقلال در روابط بین فردی و تعادل مناسب بین آنها را به همراه دارد (تواسون و فرید لندر، ۲۰۰۰). در نتیجه واکنش هیجانی بهتر ناشی از این توانمندی می‌تواند منجر به بهبود رابطه زناشویی شود. چرا که خودبازداری و کنترل خشم می تواند بر ادراک هیجانات منفی در رابطه تاثیر گذاشته و نرخ آن را کاهش دهد و همراه با تجربه رضایت زناشویی باشد، چرا که زوجین در رابطه زناشویی خود عملا به ارزیابی ذهنی از جنبه های خوشایند و ناخوشایند رابطه خود می‌پردازند، که اگر نسبت جنبه های خوشایند بیشتر از جنبه های ناخوشایند باشد، منجر به تجربه رضایت زناشویی می‌شود (استافورد۴، ۲۰۱۷).

رضایت زناشویی عاملی است که تا حدود زیادی بیانگر کیفیت یک رابطه زناشویی و احتمال دوام آن در بلندمدت می باشد. در همین راستا تلاش عده زیادی از پژوهشگران متوجه این متغیرها بوده تا عوامل و فرآیندهای اثرگذار بر آن را شناسایی کنند. توجه به تعارضات هیجانی به عنوان متغیری که می‌تواند تاثیرات ناشی از تجارب روابط نزدیک قبلی را دریافت کند و آن را باتوجه به نقشی که در تنظیم و طرح های هیجانی دارد، به محیط بیرونی بویژه رابطه زناشویی که صمیمانه ترین رابطه است،

[1] Lam & Chan-So
[2] Gelso & Fretz
[3] Hooper & DePuy
[4] Stafford

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

انتقال دهد، حائز اهمیت میباشد. در همین راستا پژوهش حاضر سعی در بررسی نقش تعارضات هیجانی در رابطه میان تمایزیافتگی (متأثر از روابط صمیمی اولیه بویژه با ابژه ها و مراقبین اولیه) با رضایت زناشویی داشته است. نتایج بدست آمده نشان داد که علاوه بر ارتباط معناداری که میان مولفه های تمایز یافتگی (واکنش پذیری هیجانی، گریز هیجانی، هم آمیختگی با دیگران و جایگاه من)، تعارضات هیجانی (خودبازداری، خودمتنفر، خودناکافی و خودمطمئن) و رضایت زناشویی وجود دارد، همچنین تعارضات هیجانی نقش میانجی معناداری در رابطه میان تمایزیافتگی و رضایت زناشویی دارد. بنابراین برپایه نتایج بدست آمده می‌توان ادعا کرد که استفاده از رویکرد درمانی مانند درمان هیجان مدار که بر هیجان و بهبود تنظیم و تعارضات هیجانی در رابطه زوجین تاکید دارد، می‌تواند بر بهبود رابطه زناشویی و ترمیم آسیب‌های ناشی از روابط مهم اولیه اثرگذار باشد.

عمده‌ترین محدودیت پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری است چرا که روش نمونه‌گیری در دسترس می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج به دست آمده را با محدودیت مواجه کند، لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت افزایش قدرت تعمیم‌دهی نتایج بدست آمده در صورت امکان از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. همچنین با توجه به نقش میانجی و معنادار تعارضات هیجانی در رابطه تمایزیافتگی با رضایت زناشویی، پیشنهاد می شود جهت ارتقاء رابطه زوجین و بهبود اثرات عدم تمایزیافتگی، مداخله های مرتبط با تعارضات هیجانی و بهبود تنظیم هیجانی مورد توجه قرار گیرد و زوج درمانی هیجان مدار مدل گرینبرگ که بر نقش تعارضات دوپاره بر رابطه زوجین تاکید دارند، جهت بهبود کیفیت رابطه زناشویی و افزایش توانایی تنظیم هیجانی استفاده شود

منابع

Bahari, Farshad. (1388). Comparison of the effect of hope-based, forgiveness-based interventions and a combination of the two on marital conflict, interpersonal cognitive distortions of couples seeking divorce in Isfahan. PhD Thesis, University of Isfahan. persian

Beyrami, Mansour; Fahimi, Samad; Akbari, Ibrahim; Amiri Pichaklaei, Ahmad (1391). Predicting Marital Satisfaction Based on Attachment Styles and Differentiation Components, Principles of Mental Health, 14(1). persian

Tajrishi, Fatemeh. (1398). The Relationship between Differentiation Rate and Self-Esteem and Marital Satisfaction in Married Female Students of the Faculty of Psychology and Educational Sciences, Azad University of Tehran. Master Thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. persian

Jamali Motlaq, Marjan. (1392). Investigating the predictive role of attachment styles, differentiation components and sexual function on women's marital satisfaction. Master Thesis, Faculty of Humanities, University of Science and Culture. persian

Rajabi, Gholamreza; Malek Mohammadi, Fatemeh; Amanullah Haifar, Abbas and Sudani, Mansour (1394). Self-criticism, internal religious orientation, depression and loneliness mediated by self-sufficiency in students involved in a romantic relationship: A path analysis model, Principles of mental health, 17(6). persian

Rasooli, Samira (1398). Developing an educational model of Iranian sexual satisfaction and comparing its effectiveness with Masters and Johnson approach on marital adjustment, marital quality and marital conflict. PhD Thesis in General Psychology, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University - Khorasgan Branch. persian.

Zuhairi, Saeed (1389). Investigating the relationship between self-differentiation, intimacy and self-disclosure and marital satisfaction among married employees of Shahid Chamran University and Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. Master Thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz. persian

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

Keramati, Razia; Shoa Kazemi, Mehrangiz and Hosseinian, Simin (2012). The Effectiveness of Group Training in Mutual Behavior Analysis on Increasing the Differentiation of School Counselors, Career and Organizational Counseling, 4(11). persian

Kahrazi, Farhad. (1396). Relationship between family performance and academic self-regulation and self-restraint among high school students, Psychology, 6(2). persian

Greenberg, Leslie (2015). Coaching in emotion-oriented therapy, guiding clients in working with their emotions, translated by Ramezani, Mohammad Arash; Bagheri, Zeinab and Hemtyar, Iman (1397). the faith. Tehran: Ravan. persian

Mir Moazi, N. (1395). Recognizing the experience of sexual satisfaction from the perspective of Iranian married men and women. Master Thesis, Family Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University of Tehran. persian.

Najaflooi, Fatemeh (1385). The Role of Self-Differentiation in Marital Relationships, New Educational Thoughts, 2 (3): 37-27. persian

Naeimi, Ghader; Pirsaqi, Fahima; Bashirpour, Altar; Akbari, Zahra; (2015), The Role of Health Components of the Main Family and Their Differentiation in Predicting Marriage Desire in Students, Counseling Culture and Psychotherapy, 6(21). persian

Elliott, Robert; Watson, Jane; Goldman, Rwanda and Greenberg, Leslie (2013). Emotional Therapy Training: An Empirical Approach to Change. Translation: Ramezani, Mohammad Arash and Jamshidnejad, Nina (1398), Tehran: Arasbaran. persian

Ellis A, Sijel JL, Yeejer RJ, Batia VJ, Gisp R. (1996), Rational-emotive couple's therapy. 1st ed. Tehran: Misagh: 25-43.

Eniola, M. S. (2007). The influence of emotional intelligence and self-regulation Strategies on Remdiation of aggressive behaviours in adolescent visual impairment. Journal of Family Therapy, 12, 71-77

of family issues, 21(8), 948- 963.

Gelso, C. & Fretz, B. (2001). Familiy therapy, an overview. Wadsworth, advision of themas learning.

Gilbert, P., Clark, M., Hempel, S., Miles, J.N.V. & Irons, C. (2004) Criticising and reassuring oneself: An exploration of forms, styles and reasons in female students. British Journal of Clinical Psychology, 43, 31-50 .

Greenberg, L. S., & Goldman, R. N. (2008). Emotion-focused couple's therapy: The dynamics of emotion, love, and power. American Psychological Association.

Hooper, L. M. & DePuy, V. (2010). Community Sample Mediating and Moderating Effects of Differentiation of Self on Depression Symptomatology in a Rural Community Sample. The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, 11(4), 351-361

Lam, C.M. and Chan-So P.C., Validation of the Chinese Version of Differentiation of Self Inventory (CDSI). Journal of marital and family therapy, 2015. 41(1): p. 86-101.

Olson, D. H., Fournier, D. G., Druckman, J. M., McCubbin, H. I., & Barnes, H. L. (1989). Families. California: Sage Publication Inc.

Skowron E, Friedlander M. (1998). The differentiation of self-inventory: development and initial validation. Journal of Counseling Psycho; 28

Stafford, L. (2017). Social exchange theory: A cost-benefit approach to relationships. In Engaging Theories in Family Communication (pp. 279-289). Routledge.

Whelton, W. J., & Greenberg, L. S. (2005). Emotion in self-criticism. Personality and individual differences, 38(7), 1583-1595.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۷، شماره ۱۱، زمستان سال ۹۹

Evaluating the mediating Role of Emotional conflicts in the Relationship between Differentiation and Marital Satisfaction in Married People in Tehran city

Leila Asgharnia[1], Mohammad Arash Ramezani[2*]

Abstract

The aim of this study was to evaluating the Mediating Role of Emotional Conflicts in the Relationship between Differentiation and Marital Satisfaction in Married People in Tehran City. The research method was correlation using structural equation analysis. The statistical population included married people in Tehran in 2019, in which 220 people were selected as the sample by available sampling method. The research instruments were: The self-critical questionnaire of Gilberg et al. (2004), Self-Determination Questionnaire of Weinberger & Schwartz (1990), Differentiation Questionnaire of Scorne and Friedlander (1998) and Enrich Marital Satisfaction Questionnaire (1998). The results also showed that the mediating role of emotional conflict in relation to differentiation with marital satisfaction was significant. The results of the present study showed that emotional conflict has a significant role in the relationship between differentiation and marital satisfaction, so improving emotional conflict can affect the improvement of marital relationship and repair the damage caused by important initial relationships.

Keywords: Differntiation, Marital satisfaction, Emotional confilict

[1] Master of Family Counseling, Faculty of Humanities, Department of Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Ley_asg@yahoo.com)
[2] Mohammad Arash Ramezani (MD, PhD): Founder of Emotion Focused Therapy Iran Institute and supervised EFT therapist (Arash98@gmail.com)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-07]